

## شهیدی، شجریان و سایه؛ داستان یک عمر رفاقت و احترام

عبدالوهاب شهیدی، هنرمندی که به دلیل سال‌ها دوری از فعالیت حرفه‌ای شاید نامش زیاد به گوشمان نخورده باشد، اما نام پرآوازه‌ای در میان اهالی هنر موسیقی است. هنرمندی که محمدرضا شجریان او را «اعتبار موسیقی ایران» می‌دانست و هوشنگ ابتهاج درباره او گفته که «من چیزی ندارم که در شأن آقای شهیدی باشد».

به گزارش خبرنگاران فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، زنده‌یاد عبدالوهاب، خواننده و نوازنده و خالق تصنیف ماندگار «زندگی» با مطلع مشهور «اون نگاه گرم تو...»، صبح روز دوشنبه (۲۰ اردیبهشت ماه) و در سن ۹۹ سالگی با زندگی و دنیای حرفه‌ای برای همیشه خداحافظی کرد و رفت تا در کنار برخی دیگر از دوستانش همچون زنده‌یاد محمدرضا شجریان باشد.

شهیدی متولد سال ۱۳۰۱ در «میمه» اصفهان، خواننده در سبک سنتی ایرانی، آهنگساز، استاد آواز و نوازنده عود بود. او از اوایل دهه ۱۳۲۰ فعالیت هنری خود را با یادگیری آواز، سنتور و عود نزد اسماعیل مه‌رتاش آغاز کرد. شهیدی البته به‌جز خواندن و آهنگسازی، به عنوان نوازنده‌ای منحصر به‌فرد با ساز عود نیز شناخته می‌شد. هنرمندی که سابقه همکاری با استادانی همچون جلیل شهنواز، فرامرز پایور، علی‌اصغر بهاری، حسین تهرانی، رحمت‌الله بدیعی، حسن ناهید و محمد اسماعیلی را در کارنامه کاری خود به ثبت رسانده بود.

زنده‌یاد عبدالوهاب شهیدی

او که از اوایل دهه ۲۰ پا به عرصه موسیقی گذاشته بود، در سال‌های بعد از انقلاب بسیار از فعالیت حرفه‌ای خود دور شده بود. شهیدی سال ۹۷ در گفت‌وگو با یک روزنامه در این زمینه گفته بود که «بعد از انقلاب نه اجرایی داشتم و نه نوارکاستی منتشر کردم. البته اوایل انقلاب مدتی موسیقی تحریم بود و اثری پخش نمی‌شد ولی بعدها بدون آن که بخواهم خانه‌نشین شدم.»

با همه اینها، شهیدی به عنوان هنرمندی که باور داشت «کاری که اصیل باشد، همیشه دیده می‌شود»، در تمام این سال‌ها ساز عود همراه و هم‌زمانش بود. خودش درباره پیوند عمیقش با ساز عود، گفته بود، «زمانی که ساز عود را دست می‌گرفتم و با آن هم‌نوایی می‌کردم، در واقع گفت‌وگویی بود که بین من و عود شکل می‌گرفت.»

زنده‌یاد محمدرضا شجریان هم به این پیوند عمیق شهیدی با موسیقی باور داشت. شجریان شهیدی را اعتبار و منش بزرگوارانه و انسانی در موسیقی عنوان کرده و گفته بود «هر جا که شهیدی بود بالاترین عنوان هنر را داشت؛ چه در جشن هنر، چه در گل‌ها و چه در دیگر محافل هنری. من همیشه در پشت این بزرگ‌مرد خودم را پنهان می‌کردم و همیشه از او یاد می‌گرفتم که رفتار هنری چگونه باید باشد.»

زنده‌یادان عبدالوهاب شهیدی، محمدرضا شجریان و هوشنگ ظریف

شجریان که این گفته‌ها را در مراسم بزرگداشت شهیدی بیان می‌کرد به دوستی با هوشنگ ابتهاج هم اشاره کرده و گفته بود: «بارها با سایه درباره این بزرگ‌مرد صحبت کرده‌ایم و سایه هم همیشه با احترام از او یاد می‌کرد. احترام بین ما به گونه‌ای بود که کسی متوجه نمی‌شد، اما وجود داشت و هنوز هم وجود دارد. از وقتی که در رادیو بودم و به خصوص از زمانی که جناب سایه آنجا آمدند و برنامه گل‌های تازه و گلچین هفته را تهیه کردند، من همیشه در کنارشان بودم و خاطرات زیادی از آن موقع با هم داریم؛ در کنار استاد پایور که حق بزرگی بر گردن من دارند، در کنار محمدرضا لطفی و گروه شیدا، ارکستر گل‌ها، جناب فرهاد فخرالدینی و دیگر گروه‌هایی که با هم در رادیو بودیم که اغلب جناب شهیدی با این گروه‌ها در رادیو و یا در کنسرت‌ها برنامه داشتند.»

هوشنگ ابتهاج نیز در توصیف زنده‌یاد شهیدی گفته بود که «چیزی آنچنان ندارم که در شأن آقای شهیدی باشد. من پیش از آنکه بخت آشنایی با شهیدی را داشته باشم، با صدای او آشنا و شیفته صدایش شدم، به خصوص آن برنامه داغستانی که به زبان لری بود و از آن برنامه چندین اجرا صورت گرفت. آقای شهیدی برای من همیشه تصویری از هنرمندی بود که آرزویش را داشتم. مردی با ممانعت و بی‌طمع. ایشان به من امید دادند که می‌شود هنر خالص و ناب داشت، انسانی فروتن بود و مهربان بود و کار هنری شایسته هم انجام داد. در شأن شهیدی بیش از اینها می‌شود گفت.»

زنده‌یاد عبدالوهاب شهیدی و هوشنگ ابتهاج

شهیدی اما علاقه‌ای به مرور خاطراتش با زنده‌یاد شجریان و هوشنگ ابتهاج را نداشت. انگار شیرینی آن خاطرات بار سنگینی بر دوشش می‌گذاشت. خودش می‌گفت: «من و آقای شجریان سال‌ها با هم بودیم. یکی از خاطرات من با او در مسافرت مشهد در حضور آقای سایه بر مزار خیام است. خاطرات خیلی زیادی از آن سال‌ها دارم. این خاطرات برای من خیلی قوی هستند، اما نمی‌توانم آنها را بگویم چون خیلی برایم سنگین هستند.»